

با اینکه جلسه ختم شود و چون خود بنده یکی از افراد اکثریت اصولاً موافق نیستم که این اظهارات بشود و عرض میکنم که ایشان بیایند و مطالب خودشان را اظهار کنند و هر حرفی دارند بزنند و مجلس رأی میدهد.

رئیس - عده کافی نیست. جلسه را ختم می کنیم جلسه آتی روز سه شنبه چهار ساعت قبل از ظهر دستور هم دستور امروز (مجلس یک ساعت و ربع بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - مؤمن الملك منشی ۲۰ شهاب - معظم السلطان

جلسه ۳۵

صورت مشروح مجلس یوم سه شنبه هفدهم سرطان ۱۳۰۳ برابر پنجم ذیحجه ۱۳۴۲

(مجلس سه ساعت قبل از ظهر ریاست آقای مؤمن الملك تشکیل گردید)

(صورت مجلس یوم یکشنبه یازدهم سرطان را آقای آقا میرزا شهاب الدین قرائت نمودند)

رئیس - نسبت بآرائی که دربارۀ وکالت آقای امیر احتشام گرفته شده نوشته شده است عده حضار صدو هفت نفر بوده . اشتباه شده عده حضار صدو هشت نفر بوده است. آقای حاج میرزا عبدالوهاب (اجازه)

حاج میرزا عبدالوهاب - بنده در صورت مجلس عرض ندارم  
رئیس - آقای قائم مقام (اجازه)

قائم مقام - بنده در دستور عرض دارم  
رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده هم در دستور عرض دارم  
رئیس - خوب نسبت بصورت مجلس که ایرادی نیست؟ (گفته شد خیر)

رئیس - دستور امروز قبلاً چند فقره اعتبارنامه است. آقای حاج میرزا عبدالوهاب راجع بچه مطلب است؟

حاج میرزا عبدالوهاب - بنده خواستم يك سوالی از مقام ریاست بکنم که تکلیف مذاکره آقای ملک الشعراء چیست؟ آیا ایشان اجازه داده میشود یا نه؟ و کلیتاً میخواهم ببینم که آقایان و کلاء اجازه دارند نطق بکنند یا نه و همینطور آقای ملک الشعراء حق دارند حرف بزنند یا خیر؟ اگر اختصاص بایشان داده که بنده عرضی ندارم

رئیس - از بنده چرا سوال میکنید؟ حاج میرزا عبدالوهاب - برای اینکه مقام ریاست هستید.

رئیس - در نظامنامه نوشته شده است که رئیس مجری نظامنامه است و برای اینکه رئیس بتواند نظامنامه را اجرا کند باید اول خودش نظامنامه را بفهمد بعد اجرا کند راه فهمیدن هم دوجور است یا رئیس يك ماده را طوری بفهمد بمجلس میگوید مجلس هم میگوید همینطور است که تو فهمیدی یا میگوید خیر اینطور که تو فهمیدی نیست طور دیگر است و تکلیف بنده را معین میکند. نظر بنده اینطور آمد که مطابق نظامنامه اگر کسی بخواهد خارج از دستور حرف بزند و عنوانانی را مطرح کند باید با اجازه مجلس باشد. حالا اگر اکثریت رأی بدهد که اینطور نیست این يك دستور العملی میشود از برای بنده حالا رأی میکنم که آقای ملک الشعراء عنوانانی بکنند یا نه.

حاج عزالمالك - بنده پیشنهاد دارم.

رئیس - پیشنهادت را بدهید بیاورند (پیشنهاد مزبور تقدیم و

بشرح آتی قرائت شد) بنده پیشنهاد میکنم - سابقه مذاکرات نمایندگان در ابتدا و انتهای مجلس چون برخلاف نظامنامه نیست کافی السابق محفوظ باشد

رئیس - (خطاب به رمزی) جناب عالی هم در همین زمینه پیشنهاد کرده اید؟

رمزی - بلی  
رئیس - پس رأی میکنیم باین پیشنهاد.

آقا سید یعقوب - بنده عرضی دارم  
حاج عزالمالك - پس اجازه بدهید بنده قبلاً توضیح بدهم  
رئیس - بفرمائید

حاج عزالمالك - اولاً وقتی نظامنامه مراجعه بشود در این باب ماده نیست که تصریح بکنند نمایندگان نمیتوانند در ابتدا یا انتهای مجلس مذاکراتی بکنند و البته آن صحبتی که يك نماینده میکند با اجازه رئیس خواهد بود و بعلاوه سابقه هائی هم در ادوار مختلفه تقنینیه داریم که نمایندگان میتوانند در ابتدا یا انتهای جلسه با اجازه رئیس مجلس بطور مختصر مذاکراتی بکنند منتهی اگر مجلس بخواهد داخل در آن مذاکره بشود و آنرا مطرح کند که رأی میدهد نمیخواهد رأی میدهد در هر صورت آن نماینده مطلب خودش را اظهار کرده است حالا با این سابقه چیز غریبی است که ما رأی بدهیم يك نفر و كيل مذاکره بکند یا نکند!! برای اینکه ممکن است بنده امروز يك عقیده داشته باشم و دیگری با عقیده من مخالف باشد آنوقت همیشه باید نطق نمایندگان مربوط بشود برای مجلس و این سابقه خوبی نمیشود و بنظر بنده چون در نظامنامه ماده نیست که منع نماید نمایندگان را از اینکه در اول یا آخر جلسه اظهاراتی بکنند و سابقه هم دارد همین سابقه

کافی السابق محفوظ بماند تا بعد کبسیونی که برای تدوین نظامنامه معین شده است این نکته را در نظر بگیرند و يك طور مناسبی در نظامنامه ملحوظ دارند و بعد از این همانطور معمول شود

آقا سید یعقوب - بنده عرضی دارم (جمعی از نمایندگان رأی بگیرند)

رئیس - بگذارید آقای آقا سید یعقوب هم که در اقلیت هستند اظهار عقیده بکنند.

آقا سید یعقوب - چون آقای حاج عزالمالك پیشنهاد سابقه کردند و بنده هم در دوره چهارم اقتضای عضویت مجلس شورای ملی را داشتم سابقه را اینطور تمیز دادم (چنانچه اگر آقایان هم توجه بفرمایند تصدیق خواهند فرمود همینطور است که عرض میکنم) وقتی نماینده خواسته است قبل از دستور در موضوعی وارد شود میرفته است پشت تریبون و بمقام ریاست اظهار میکرده است که در فلان موضوع می خواهم صحبت کنم

حائری زاده - اینطور نیست

آقا سید یعقوب - چرا همینطور بوده است حالا جناب عالی در اقلیت هستید امر علیحده ای است و اگر چنانچه بنده بگویم آفتاب است شما میگویند خیر ما است من نمیتوانم باشما مکابره و مجادله بکنم اگر من بگویم خدا بکسی است میگویند مشکل است.

بنده میگویم این سابقه که بوده این است که نماینده میرفته است پشت تریبون و بمقام ریاست اظهار میکرده است که فلان موضوع را میخواهم عرض کنم مقام ریاست هم اجازه میفرمودند.

حالا خواستم عرض کنم این پیشنهادی را که آقای حاج عزالمالك فرمودند بترتیب این سابقه بود که عرض کردم نه اینکه مرتجلاً يك نماینده بدون اطلاع رئیس و هیئت رئیسه و مجلس بدون مقدمه بکمر تبه اظهاراتی بکند که شاید اسباب اغتشاش فوق العاده بشود.

پس مطابق این سابقه باید بمقام ریاست اطلاع دهند حالا میفرمائید این سابقه نباشد و رأی میدهند در این موضوع بنده حرفی ندارم ولی پس فردا دو مرتبه برخلافش رأی میدهم در هر صورت عرض بنده این است که سابقه باین ترتیب بوده که عرض کردم و مخالف بانظریه شما هم نیست همینطور رأی بدهید

رئیس - آقای مصدق السلطنه (اجازه)

مصدق السلطنه - بنده در پیشنهاد عرضی ندارم عرض قبل از پیشنهاد بود (جمعی از نمایندگان مذاکرات کافی است) (بعضی از نمایندگان کافی نیست)

رئیس - رأی میکنم بکفایت مذاکرات آقایان اینکه مذاکرات را کافی می دانند قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - معلوم میشود کافی است حالاً رأی میکنم باین پیشنهاد آقایانی که این پیشنهاد را تصویب می کنند قیام نمایند

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. آقای ملک الشعراء (اجازه)

ملک الشعراء - بنده هیچ تصور نمی کردم بر طبق سابقه که گفته شد اجازه خواستن قبل از دستور یا بعد از دستور محتاج برای مجلس باشد والا البته بنده هم چنین تقاضائی را از مقام ریاست نمی کردم و مایل هم نبودم که قضیه باین شکل خانم پیدا کند که تشبیه بشود باینکه اکثریتی اقلیتی را در تحت مضيق گذاشته است البته این ترتیب برای احترامات مجلس شایسته نیست من هم مایل نبودم اینطور پیش بیاید ولی اتفاقاً اینطور شد خیلی هم از این قضیه متأسفم.

بهر حال تقصیر باینده نبوده است بنده نظر بسابقه و جریان ادوار مختلفه مجلس اجازه خواستم و اتفاقاً اجازه که من خواستم و مذاکراتی که میخواستم بکنم يك موضوع شدیدی که منتج بعمله بر اکثریت بشود نبود و خیلی مایل بودم که آقایان حدس میزدند یا تحقیقات میکردند و مقصود بنده را قبلاً استطلاع می کردند و بنده اجازه می دادند که حرفم را بزنم آن وقت میدیدند که هجوم با اکثریت نیست یا اینکه سابقه اقلیتهای مجلس این بوده است که در صدد وسائلی بگردند برای اینکه يك هجوم و حمله با اکثریت بنمایند ولی ما در تقاضای ما نظر بمأنوسیت تامی که بحفظ وضعیات و مراعات امور مملکتی همیشه داشته باشیم در این مسئله خودداری کرده ایم با اینکه همه وقت شاید بهانه های شدید و تند هم در دست ما بوده است و شاید مردم هم همیشه بما اعتراض کرده اند که چرا وضعیات را در مجلس کمتر و ملایمتر اظهار میکنید.

بالتبیحه قصد من از مذاکره در جلسه گذشته تذکراتی بود نسبت به آقایان اکثریت و خیلی متأسف هستم از اینکه عرض کنم تا اندازه موقع تذکرات بنده فوت شد

بنده می خواستم مختصری از وضعیات جاریه شهر طهران و ضرورتی که بامنیت و آسایش افراد این شهر وارد شده است اشاره کنم و در ضمن اظهار کنم که این ضربت به يك فرد مفید مملکت و بیک عنصر مفید و ناامی وارد شده است و صرف نظر از مقامات فضلی و ادبی فقیده مرحوم این ضربت بدماعی وارد شده است که آن دماغ بیا اقلیت مجلس همراه بوده است و آن دماغ حمایت میکرده است از افکار صومئ و فکر آنشخص مقتول در جریان سیاسی داخل بوده

است که آن سیاست بر ضد دولت وقت بوده است و از این نقطه نظر بیشتر بنده حق داشتم اظهار تأسف کنم زیرا علی‌المرسوم و علی‌العول اینطور حمله ها فتاکی ها و ترورها غالباً در دنیا رنگ سیاسی بخود گرفته این قضیه هم قطعاً و اصولاً رنگ سیاسی پیدا کرده است و بنده خواستم با آقایان نمایندگان محترم تذکر بدهم که اولاً برای پاس و حفظ اصول امنیت عمومی

ثانیاً برای حفظ و احترام سیاست اقلیت و سیاست انتقاد و برای حفظ آزادی عقیده که تمام آقایان پاینده آن هستند و برای حفظ احترام عقاید ملت ایران که گفته نشود ملت ایران عقیده را میکشند و با مال میکشند و بالاخره برای رفع نگرانی های سیاسی که عرض کردم قطعاً شامل این قتل میشود حق این بود که مجلس شورای ملی ایران و اکثریت محترم که مسئول وضعیات هستند بیشتر علاقمند باین قضیه باشند.

نکته که میخواستم عرض کنم این بود که در شهر طهران يك قضیه واقع شد مردم طهران همو از این قضیه متاثر شدند

گریه کردند . اظهار تالم نمودند چندین هزار نفر جمع شدند و جنازه يك مقتول سیاسی را از وسط شهر عبور دادند و در مساجد فاتهه گذاشتند ولی با اینحال با اینکه مسئله مربوط بامنیت عمومی و مربوط به قضایای سیاسی بود مجلس شورای ملی ایران با خون سردی امرار وقت مبرک در در مسائل خیلی عالی بهت میکرد

بنده خواستم مجلس را متذکر کنم که در این قضیه نباید خون سرد باشد زیرا ما اقلیت هستیم و در محیط سیاست فعلی در تحت مضیقه و فشار می باشیم روزنامه های ما آزاد نیستند

در مطابع جرائد ما را شبها سانسور می کنند

اگر يك مقاله آزادتری نوشته شود روزنامه را توقیف می کنند

مدیران جرائد اقلیت بواسطه حذر از سوء قصد ها در مجلس متعصب شده اند و بالاخره مادر يك حال مضیقه و فشار هستیم ولی اکثریت مجلس اکثریتی که مسئول وضعیات است نباید بسکوت و خود گویی بگذرانند این حق اکثریت بوده و هست که در این قبیل مسائل پیشقدم بشود متأسفانه نشد و بخون سردی بر گذار شد یا غفلت شد

در جلسه گذشته هم به بنده اجازه داده نشد و يك مسائل دیگری هم ضمناً فوت شد زیرا بنا بر اطلاعاتی که بنده داشتم خواستم مجلس محترم را متذکر کنم که در آن جریان قضایای بمذاق قتل که اتفاقاً بنده را آن فقیه مرحوم بمالفتن خواست و رفتم در بالین او و با حضور امنای نظمیته اظهاراتی کرد خواستم به آقایان عرض کنم در نتیجه اظهارات لاو در نتیجه مراجعاتی که آن

مقتول باشخص دستگیر شده و در حضور مدعی العموم کرد يك اطلاعاتی بدست آمد که نتیجه اش این بود :  
دو نفر رفته اند و این آدم را مقتول کرده اند یکی دستگیر شده و دیگری فرار کرده است

حتی بگوش بنده خورد که آنکس هم که فرار کرده است يك اسمی داشته است که اسم او در نظمیته هم بود است او فرار کرده است و در موقعی که آن فقیه معترض با حواس جمع حکایت می کرد وضع گشته شدن خودش را یکی از اعضاء تأمینات که بنظر من شخص باهوشی آمد به بنده اطلاع بمان داد (در موقعی که در مریضخانه در بالین معترض بودیم) که چون یکی از آنها دستگیر شده است بشما اطلاع بمان بدهم آن یکی را هم امروز با فراد دستگیر خواهیم کرد ولی متأسفانه بنده در جلسه گذشته شنیدیم که نظمیته از آن يك نفر فراری تعقیب نکرده است محمدخان نامی که رفته است در حضور تمام اهل محل قاتل را گرفته و به آژان تحویل داده است او را هم گرفته اند و در نظمیته در حبس تاریک است و به بنده گفته شد حتی در يك قسمت هم حضور داشتم که پس از مواجهه آن شخص توقیف شده با مرحوم عشقی و تقاریبی که عشقی کرده و امارات ترور و سوء قصد را ثابت کرد مدعی العموم عدلیه و يك نفر از مستنطقین عدلیه خواستند بموجب قوانین جاریه شخص مقصر را ببرند و در تحت مراقبت نگاهدارند و نگذارند کسی با او ملاقات کند و امر را بچریان طبیعی بیندازند ببنده خانه اعناء نظمیته آن شخص را بدست مدعی العموم ندادند و استتکاف کردند که آنها در مقابل تقاضای حقه خود بوظیفه خودشان عمل کنند

این را هم میخواستم در جلسه گذشته بمرض آقایان برسانم ولی متأسفانه دیر شد

چرا خواستم متذکر شوم و چرا دیر شد و چرا متأسفم از اینکه دیر شده است ؟ تأسف بنده برای این است که آن شخص دوم که فرار نموده و وعده کرده اند او را بگیرند و منضم کنند بیک نفر دیگر بقراری که شنیده ام شاید از سر حد هم رد شده باشد چون سه چهار روز است که میگردد بملاوه در جلسه گذشته میخواستم آقایان را متذکر کنم که ببنده در نظمیته يك سوایقی در ساختن دوسیه ها ایجاد شده است و همیشه در دوسیه ها يك نگرانی و سوء ظن هائی جریان داشته است

خواستم ب مجلس و آقایان و کلاه عرض کنم که مراقبت بفرمایند و اجازه ندهند که در این مورد هم نظیر قضایای گذشته تکرار شود

بالاخره عرایض من این بود مذاکرانی که میخواستم عرض کنم مسائلی بود که تمام افراد مجلس شورای ملی بدون تفاوت اقلیت

و اکثریت مسئول و ذمه دار تعقیب و اجراء و مراقبت در آن کار هستند و بنده وظیفه دار بودم که بیایم در اینجا نه از برای اینکه يك نفر دوست و هم عقیده مرا کشته اند گریبان نمایندگان اکثریت را بگیرم خیر بنده حاضر برای این کار نبودم

بنده در مجلس دوره سوم که خیلی جوان هم بودم و حق هم داشتم حرارت بروز بدهم آقایانی که در آن مجلس تشریف داشتند شاهدند در شدیدترین روزها که روز استیضاح بود و بر حسب امر رفقای خودم آمدم پشت تریبون طوری نطق کردم که شاید اسباب تشکر اکثریت وقت هم شد من عادت من این نیست و حال من این نیست که بیایم چیزهای جزئی را مسائلی کوچک را پشت تریبون کش بدهم و يك حربه بسازم و بفرق رفقای پارلمانی خودم بزم چند نیست که من از روزنامه نوشتن صرف نظر کرده ام چند سال است در صف اکثریت وزیر بار سنگین دولت های وقت هستم برای اینکه بسملکت خودم از طریق مثبت خدمت کنم من حملات متفیانه و هتاکانه را بعقیده خودم برای سیاست مملکت مباح و جائز نمیدانم مقصود من از مذاکراتی که میخواستم بگویم این قضایا بود می خواستم عرض کنم

آیا مجلس شورای ملی ایران علاقه مند هست که مملکت این باشد یا نیست ؟ آیا اگر یکی از وکلای اقلیت راشبو روز تهدید بقتل نمایند مجلس شورای ملی نباید در این باب علاقه مندی خودش را ابراز بدارد

يك صف روزنامه نویس و مدیران مطبوعات يك اشخاصی که با سرمایه خودشان و باقوای دماغی شان برای مملکت زحمت میکشند اینها امنیت نداشته باشند و بیایند در کعبه آمال ملت متعصب شوند مجلس شورای ملی باید پرسد چرا آمده اند نباید پرسد ؟ قصد من اینها و مقصود من این مذاکرات بود ولی خیلی متأسفم که يك قسمت از قضایا فوت شد و وضعیاتی پیش آمده است که اگر امروز هم اجازه نمیدادند حاضر بودم این مذاکرات را بکنم بملاوه اگر استتکافی از گفتن قضایا میکنم آقایان باید بدانند که برای حفظ شخصی خودم نیست

زیرا که چهل سال از عمرم گذشته است و بیست سال از عمر خود را در سیاست و انقلاب گذرانده ام و چندان آرزویی از دنیا ندارم و بهترین آرزوهای من این است که مرا هم پیش عشقی بفرستند خیال نکنید که من از مرگ میترسم من بیست سال است که در دهان مرگ زندگی میکنم من در برابر قشون جرار شراز (آقایان رفقای من و کسانی که بوده اند دیده اند) از مرگ پروا نکردم قیام میکردم و عقاید ملی را گفتم من از مرگ نمیترسم مرا تهدید کردند حتی اشخاص رستی چندین دفعه مرا بقتل تهدید کردند

من اهمیت باین قضایا نمیدهم فقط قصد من این است که آن پنجه سرخی که گریبان عشقی را گرفت و او را بدامان قبر انداخت آن پنجه سرخ در يك مملکت قانونی قابل دیدن نیست قابل تحمل نیست

باید مجلس شورای ملی آن پنجه سرخ را قطع کند این را با قوت قلب میگویم آن شخص هر که باشد و آن پنجه از آستین هر که بیرون بیاید بشما میگویم اگر مجلس آن دست خائن و خونین را قطع نکند مردم قطع خواهند کرد

این دست قابل تحمل نیست دست خیانت کار باید قطع شود این است عرض بنده

رئیس - آقای تدین (اجازه)

تدین - تصور میکنم در اصل موضوع در حدوث این گونه جنایت ها که امنیت عمومی را متزلزل میکند هیچ فردی مخالفت نداشته باشد اصول تروریسمی اصولی است که مخالف با همه چیز است و هر کس معتقد باین اصول بشود يك آدمیست و جانی در اجتماع شرده خواهد شد و وضعیت برروز مجلس البته بنده هم تصدیق میکنم که شکل خوبی نبود ولی آقایان قدری تأمل نکردند تا ببینند که رأی اکثریت چیست

زیرا در بین اینکه گفتگو می شد از اینکه آیا بایست رأی گرفت در مجلس یا رأی نگرفت که در این موضوع مذاکرات بشود آقایان تشریف بردند و از ناحیه اکثریت نسبت بنطق کردن آقای ملک الشمر ارضدینی بروز داده نشد و بملاوه قصاص قبل از جنایت معقول نیست تا وقتی که کسی حرفهایش را نزده است و هیچ اظهار عقیده نکرده است هیچ معقول نیست که بخواهند حمله کنند یا تهرض نمایند و البته اگر در مجلس شورای ملی آزادی عقیده و آزادی نطق و بیان نباشد پس در کجا باید سراغ کرد

فرمودند که ایشان میخواستند اکثریت را متوجه کنند بوضعیات و بهاقبت و شیم اینگونه پیش آمده

برای این قسمت میخواستند يك مسائلی اظهار بکنند

این را حالا خودشان مسبوق باشند یا نه بنده تذکر عرض می کنم که اکثریت خیلی علاقمند هست نه از نقطه نظر اینکه يك فرد هدف واقع شده است بلکه از نقطه نظر حفظ بقاء امنیت عمومی این اصول غلط است

این اصول بد است بد است و این اصل برخلاف شرع و سیاست و همه چیز است مشاورش بیاندازد است که محتاج بد ذکر نیست و خیلی واضح است و در همان روزی که این قضیه پیش آمد و نمایندگان مسبوق شدند

آقا شیخ محمد علی - ازقراری که درود جلسه سابق مخبر کمیسیون اظهار داشتند گمان می کنم کار کمیسیون نفت تمام شده باشد و آن سه ماده که گفتند باید از طرف دولت تقدیم شود تقدیم شده است و کاری که از همه کارها لازم تر است گمان می کنم همین موضوع است خوبست آنرا جزو دستور بگذارند که يك کاری برای مملکت کرده باشیم.

رئیس - مخبر کمیسیون بالفعل مریض است و سه روزه اجازه مرخصی خواسته است و حالا هم نیست مگر اینکه آقای رئیس کمیسیون توضیحات بدهند مدرس - همانطور که مخبر عرض کرده اند يك تهمه داشت که باید بازبان فرانسه تطبیق کنند و ایشان بفارسی بنویسند چون سه روز است ناخوش شده اند و بن هم اطلاع نداده اند نمیدانم تطبیق کرده اند یا نه؟ و بنابود وقتی که تطبیق کردند مراجعه کنند و من آقایان را خبر کنم و هر وقت ببندم خبر دادند بنده هم عرض خواهم کرد.

رئیس - آقای روحی (اجازه) روحی - خواستم عرض کنم چون آقای قائم مقام از کمیسیون نظام استعفا کرده اند خوبست بکنفر بجای ایشان انتخاب شوند.

رئیس - در جلسه آتیه آقای کازرونی (اجازه) کازرونی - راجع آقایان طراز اول گمان می کنم در شعب مذاقه شده . . . ( بعضی از نمایندگان خیر نشده است )

کازرونی - اگر مذاقه نشده است که هیچ واگر شده است که جزو دستور بگذارند. رئیس - هنوز راپرت آن با دارة تقنینیه نرسیده است.

آقای آقا صید یعقوب (اجازه)

آقا صید یعقوب - آقای مدرس که تشریف بردند بنده می خواستم عرض کنم که در کمیسیون فقط اشخاص فرانسه دان داریم و مطابق ترتیباتی که در نظامنامه است منشی کمیسیون می تواند بعوض مخبر دفاع کند و ممکن است که از طرف مقام ریاست تأکید شود که زودتر آن دوسه ماده ترجمه شده و راپرت آن را به مجلس بیاورند یکی هم راجع بمسئله قرارداد پستی و تلگرافی است که در کمیسیون فوائده عامه گذشته نمیدانم کجا گیر کرده که بیرون نمی آید گویا در کمیسیون خارجه است بنابراین این خواستم که از طرف مقام ریاست تذکر داده

شود که راپرت آنرا هم زود تر بسجاس تقدیم نمایند که این کار عام المنفعه زود تر از مجلس بگذرد. رئیس - آقای ارباب کیخسرو (اجازه)

ارباب کیخسرو بنده خواستم استدعا کنم اگر برای جلسه آتیه فرصت شد کنترات مستخدمین خارجی که برای مطبعه مجلس استخدام شده جزو دستور گذاشته شود و راپرت آن هم از دو کمیسیون گذشته و طبع و توزیع شده است.

رئیس - اگر فرصت شد آنهم جزو دستور می شود. آقای دامغانی (اجازه)

شریعتمدار دامغانی - بنده عرضی ندارم.

رئیس آقای حاج میرزا عبدالوهاب (اجازه)

حاج میرزا عبدالوهاب - همانطور که آقای کازرونی عرض کردند می خواستم عرض کنم که راجع بطراز اول راپرت شعبات لازم نیست و شعبات مذاقه کرده اند خوبست جزو دستور گذارده شود.

رئیس - عرض نکردم باید بمجلس راپرت بدهند عرض کردم باید با دارة تقنینیه راپرت بدهند که در تمام شعبات مطرح شده است یا نه و در بعضی شعبات هم مطرح شده است.

حاج میرزا عبدالوهاب - پس استدعا می کنم تأکید بفرمائید شعباتی که مطرح نکرده اند زودتر مطرح کنند که اگر رد شدنی است رد شود و اگر رد شدنی نیست تکلیفش معین شود. . . (همه به بین نمایندگان)

حاج میرزا عبدالوهاب - چون باید تمام فوائینی که از مجلس میگذرد بنظر آقایان طراز برسد آخر چرا این مسئله بتأخیر می افتد.

رئیس ممکن بود در خارج از بنده پیرسید تا بنده توضیحات بدهم. آقای دست غیب (اجازه)

دست غیب - بنده می خواستم عرض کنم که بوزراء نوشته شود برای جواب سئوالات حاضر شوند و بنده يك سئوالی از وزارت مالیه کرده ام و تقریباً تاریخی را که در نظر دارم چهار ماه است و آنچه از نظر من محوشده نمیدانم چند ماه است سئوال دیگری هم از وزارت فوائده عامه نموده ام تاریخی که در نظر هست سه ماه و کسری است همین طور سئوال دیگری از وزیر مالیه کرده ام که تا بیایند و جواب بدهند مردم را آنجا شکنجه و هذاب می کنند و افتضاحی بسر مردم در میاورند تا

اینکه وزیر بیاید و جواب بدهد (و آنهم فایده ندارد) آن کار از بین رفته است لذا عرض می کنم مقرر بفرمایند وزراء بیایند و جواب سئوالات را بدهند.

رئیس آقای سهام السلطان (اجازه)

سهام السلطان - می خواستم راجع بکمیسیون نفت عرض کنم که دوسه ماده آن باقی بود که دو روز قبل آقای وزیر خارجه گویا بمخبر دادند و بواسطه کسالت دوسه روزه آقای مخبر نتوانستند راپرت را بمجلس تقدیم نمایند انشاء الله همین دوسه روزه رفع کسالتشان شده و راپرت آن را تقدیم مجلس می کنند.

رئیس آقای اخگر (اجازه)

اخگر - بنده هم چندین سئوال کرده ام و متجاوز از يك ماه است که این سئوالات شده است استدعا می کنم مقرر بفرمایند برای جواب سئوالات حاضر شوند.

رئیس آقای ارباب کیخسرو (اجازه)

ارباب کیخسرو - عرضی ندارم (مجلس نیم ساعت بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی مؤتمن الملک منشی - م. شهاب - معظم السلطان

**جلسه ۳۶**

**صورت مشروح**

**مجلس یوم پنجشنبه هفدهم**

**ذیحجه ۱۳۴۲ مطابق نوزدهم**

**سرطان ۱۳۰۳**

(مجلس سه ساعت و ربع قبل از ظهر بریاست آقای مؤتمن الملک تشکیل گردید)

( صورت مجلس یوم سه شنبه

هفدهم سرطان را آقای آقا میرزا

شهاب قرائت نمودند )

رئیس آقای قائم مقام

( اجازه )

قائم مقام - در خیر کمیسیون جزه اسامی صاحب منصبان در ۴۲ نور محمد خان را میرزا محمد خان نوشته بودند و مطابق درخواست مخبر اصلاح شد در صورت جلسه در این خصوص چیزی نوشته نشده .

رئیس - در خود راپرت اصلاح شده است

آقای مشارعظم ( اجازه )

مشارعظم در موقعی که در راپرت نمایندگی آقای نراقی رأی گرفته شد در دهمه اول اکثریت با قبول نمایندگی